



مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی



وابسته به مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی



فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

وابسته به مرکز وکلای قوه قضاییه خراسان رضوی

دوره ۱، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴، صص: ۹۵-۱۱۵

بررسی جرم‌شناسی بزه دیدگی زنان در جرم مزاحمت مطالعه موردی: بزه دیدگی زنان شهر مشهد

نویسندگان:

اکرم انوری کاظم‌آباد

جواد نعمتی

URL: <https://www.vakildaavirazavi.ir/>

DOI: <https://doi.org/10.22034/vd.2025.729005>

COPYRIGHTS

© 2025 by the authors. Licensee Khorasan Razavi Center of Attorneys – Judiciary. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



فصلنامه علمی تخصصی حقوق وکیل دعاوی

Journal of Vakil Daavi

دوره یک، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴، صص: ۹۵-۱۱۵

Vol 1, No 2, 2025, P: 95-115

بررسی جرم‌شناسی بزه دیدگی زنان در جرم مزاحمت مطالعه موردی: بزه دیدگی زنان شهر مشهد

اکرم انوری کاظم‌آباد^۱، جواد نعمتی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران
Email: akramanvarilawyer@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد بیرجند، دانشگاه آزاد اسلامی، بیرجند، ایران
Email: javadnemati90@yahoo.com

چکیده

مزاحمت نسبت به بانوان، در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ جرم‌انگاری شده است. این ماده قانونی باهدف حمایت از حقوق زنان، در جهت دفاع از حیثیت و شأن آنان به وجود آمده است تا مقابل افرادی که به‌نوعی مزاحم، متعرض و یا اقدام توهین‌آمیز انجام می‌دهند پاسخ مناسب دهد. میزان ارتکاب این جرم، آمار جنایی بالایی را به خود اختصاص داده است. اکثریت زنان از گزارش بزه دیدگی خود صرف‌نظر کرده و علل مختلفی را بیان می‌نمایند که حکایت از تحمل و کنار آمدن با این بزه در جامعه امری طبیعی گشته است. سطح فرهنگ جامعه و به‌ویژه مردان، سختی‌های پیش روی زنان برای استفاده از این حق و میزان اطلاعات آنان باعث شده است تا بزهکار، بزه دیده، اجتماع و مکاتب علمی را در به‌وجود آمدن این ناهنجاری سهیم دانسته شوند. بررسی‌ها نشان داده است که توجه به مسئله پیشگیری وضعی و اجتماعی در مقابله با این جرم و توجه به نیازهای نسل جوان که عمده بزهکاران این جرم را تشکیل می‌دهند در کاهش این جرم مفید بوده و تغییر در رویکرد قانون‌گذار در وضع قوانینی به‌منظور حمایت از بانوان امری ضروری تلقی می‌گردد. آنچه در این نوشته موردتوجه است، بررسی جرم مزاحمت از منظر جرم‌شناسی است که برای این منظور، علاوه بر یافته‌های نظری، از یافته‌های میدانی نیز استفاده شده است. برای این هدف از ۵۰ نفر که شامل ۲۰ مرد و ۳۰ زن است؛ نظرسنجی صورت گرفته است. فرم‌های نظرسنجی، حاوی چگونگی وقوع جرم مزاحمت نسبت به بانوان، میزان سن بزهکاران، میزان گزارش بزه دیدگی، نوع جرم مزاحمت، نقش پوشش زنان و ارزیابی حمایت قانون‌گذار است که با اتکا به این فرم‌ها، بررسی جرم‌شناسی بزه دیدگی زنان در جرم مزاحمت صورت گرفته است.

واژگان کلیدی: بزه دیدگی، حقوق زنان، شهر مشهد، مزاحمت، بانوان

زنان به‌عنوان نیمی از پیکره جامعه، همواره در معرض انواع خشونت و بزه دیدگی قرار داشته‌اند که یکی از شایع‌ترین مصادیق آن، مزاحمت است. این پدیده نه‌تنها به‌عنوان یک جرم کیفری، بلکه به‌عنوان یک معضل اجتماعی ریشه‌دار، نیازمند بررسی عمیق از منظر جرم‌شناسی است. بزه دیدگی زنان در جرم مزاحمت، تنها به آسیب‌های فردی محدود نمی‌شود، بلکه پیامدهای گسترده‌ای بر ساختارهای اجتماعی، امنیت عمومی و سلامت روانی جامعه بر جای می‌گذارد. از این رو، واکاوی این موضوع با رویکردی جرم‌شناسی، می‌تواند زوایای پنهان علل، زمینه‌ها و راهکارهای پیشگیرانه را روشن سازد. جرم‌شناسی به‌عنوان علمی میان‌رشته‌ای، با تلفیق یافته‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق کیفری، به دنبال کشف الگوهای رفتاری مجرمانه و عوامل مؤثر بر بزه دیدگی است. در مورد مزاحمت علیه زنان، این علم می‌تواند به سؤالاتی اساسی پاسخ دهد: چه عواملی زنان را به هدفی آسیب‌پذیر تبدیل می‌کند؟ چگونه بسترهای فرهنگی و اجتماعی به تداوم این جرم دامن می‌زنند؟ و چه راهکارهایی برای کاهش این پدیده و حمایت از بزه‌دیدگان وجود دارد؟ نباید از این موضوع غافل شد که جرم مزاحمت، جرمی فراگیر شده در جهان نسبت به زنان است. حتی در کشورهای مسلمان دیگر نیز، این جرم و موضوعاتی مانند تعرض یا تجاوز به زنان وجود دارد. شاید این جرم، به‌غریزه و ساختار انسان بازگردد که مردان به دلایل مختلف، مزاحم زنان می‌شوند. البته باید این موضوع را نیز درک کرد که این جرم برای بزهکار نیز عایداتی دارد و تکرار و تجربه آن، ناشی از همان عایدات است.^۱

زنان در طول تاریخ، قربانیان خاموش انواع خشونت‌های اجتماعی بوده‌اند و در این میان، مزاحمت به‌عنوان یکی از شایع‌ترین اشکال بزه دیدگی، همواره امنیت، کرامت و آزادی‌های فردی آنان را تهدید کرده است. این پدیده، فارغ از مرزهای جغرافیایی و فرهنگی، در اشکال مختلفی از آزارهای کلامی و روانی تا تعرضات فیزیکی ظهور می‌کند و پیامدهای عمیق اجتماعی، اقتصادی و روانی بر جای می‌گذارد. از این رو، بررسی جرم‌شناسی این معضل نه‌تنها از منظر حقوقی، بلکه از دیدگاه جامعه‌شناسی جنایی و روانشناسی جرم، ضرورتی انکارناپذیر است. جرم مزاحمت علیه زنان، تنها یک نقض قانونی ساده نیست، بلکه بازتابی از نابرابری‌های ساختاری، کلیشه‌های جنسیتی و ضعف مکانیسم‌های حمایتی است. در بسیاری از موارد، ترس از قضاوت اجتماعی، ناآگاهی از حقوق قانونی، یا عدم حمایت نهادهای مسئول، موجب سکوت قربانیان و تداوم این چرخه معیوب می‌شود. از سوی دیگر، مجرمان نیز با تکیه بر بی‌کیفری یا مجازات ناچیز، با جسارت بیشتری به تکرار این رفتارها می‌پردازند. به همین منظور، علاوه بر تحلیل حقوقی و سیاست جنایی تقنینی ایران در خصوص ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵، لازم است تا ضمن نظرسنجی از افراد اعم از زنان و مردان، نسبت به موضوع، از حیث جرم‌شناسی نیز بررسی نمود و درنهایت،

۱. رنجبران و دیگران، خشونت بر زنان در قوانین کیفری ایران و اسناد بین‌المللی، صص ۹۰-۹۲

راهکارهایی برای آن ارائه کرد. البته این رویکرد، صرفاً نوعی تحقیق میدانی کیفی است و قرار نیست، آمار ارتکاب این جرم یا آمار قضایی نیز ارائه گردد. این پژوهش باهدف تحلیل جرم‌شناسی بزه‌دیدگی زنان در جرم مزاحمت، تلاش می‌کند تا با نگاهی تحلیلی انتقادی، هم به ریشه‌یابی این معضل بپردازد و هم راهکارهای عملی برای مقابله با آن ارائه دهد. امید است نتایج این بررسی، گامی مؤثر در جهت ارتقای امنیت زنان و کاهش خشونت‌های پنهان در جامعه باشد.

مبانی نظری تحقیق

امنیت در توسعه و پیشرفت جوامع به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اقدامات به‌شمار می‌رود. امنیت در یکی از تعابیر خود، به معنای عدم وقوع مزاحمت و احترام به حریم خصوصی افراد در اجتماع است. جوامع پیشرفته، تلاش‌های فراوانی را در حمایت از این مهم انجام داده و با اقدامات خود و با کمک قوانین حمایتی، توانسته است تا حد زیادی امنیت اجتماعی را به افراد جامعه هدیه کند. در این میان قوانین حمایتی و تدابیر امنیتی نسبت به اقبال آسب‌پذیر اجتماع رنگ ویژه‌ای دارد. زنان و اطفال در تمامی کشورها، بیش از سایر افراد در معرض مزاحمت و شکسته شدن حریم امنیتی هستند. تأثیر این واقعه بر آنان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم منجر به وقوع مسائل و مشکلات و در برخی اوقات، شدت یافتن جرایم بر آنان می‌شود. امنیت اجتماعی خاص زنان را به این‌گونه نیز می‌توان تعریف کرد زنان از جانب مردان، مصون باشند و تهدید یا خطری احساس نکنند.

مزاحمت به‌عنوان یک رفتار نابهنجار و انحرافی، آرامش عمومی و امنیت اجتماعی را تهدید می‌کند. با افزایش شهرنشینی و گسترش زندگی مدرن در جوامع مختلف، اشکال مختلف مزاحمت‌های اجتماعی و عوامل مرتبط با آن نیز رشد چشمگیری یافته و به یک چالش جدی در عرصه‌ی روابط انسانی تبدیل شده است. این پدیده نه‌تنها نظم عمومی را مختل می‌کند، بلکه زمینه‌ساز کاهش اعتماد اجتماعی و افزایش ناامنی در فضاهای شهری می‌شود. در نتیجه، بررسی و یافتن راهکارهای مؤثر برای مقابله با این معضل، ضرورتی انکارناپذیر در جوامع امروزی به‌شمار می‌رود.^۱ در بحث فرهنگی، عواملی همچون اطلاع‌رسانی، تربیت، آموزش و رسانه‌ها دخیل هستند. به اعتقاد برخی، عدم آگاهی خانواده و اجتماع نسبت به فرزندان و نبودن تربیت صحیح و هدف‌های عالی در زندگی آنان را به این مبتذلات می‌کشاند. از یک طرف ارزش‌های سنتی را و از طرف دیگر آخرین محصولات فرهنگی غرب را از طریق اینترنت و ماهواره و رسانه‌های جمعی دریافت می‌کنیم. کمبودهای حاضر در سیستم آموزشی و جای خالی پرداختن به برخی از هنجارها و تقویت فرهنگی که امروز شاید در میان عشایر موجود است، باعث شده است تا از منظر آموزشی، دچار عقب‌ماندگی فاحشی بشویم. پویاسازی و استفاده از برخی امکانات مانند رسانه‌ها می‌توانست

۱. حاجی تبار فیروز جانی، بزه‌دیده‌شناسی حمایتی افتراقی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی)، ص ۱۰۶
۲. اشراقی، بررسی اجتماعی و حقوقی مزاحمت، ص ۳۴

این خلع را پرکنند که امروز در مسئله رسانه باید بر این نظر بود که جای پیشرفت وجود دارد و می‌تواند بیش از پیش بر ذهن مخاطبان تأثیرگذار. این عدم هم‌خوانی و تطابق در دریافت و اجرا در فرهنگ‌ها، باعث معضلات فراوان در اجتماع شده است.^۱

قبل از ارتکاب جرم، فرد مجرم به ذهنیتی دچار است که زشتی عمل در نزد وی رنگ باخته است و جدای از نحوه پوشش زن، وی را مورد آزار قرار می‌دهند. عدم پوشش مناسب برای بانوان، مجوزی برای مزاحمت نیست ولی بانوان با انتخاب نوع پوشش خود، حریم شخصی خود را نمایان کرده و هرچه این مسئله با فرهنگ تطابق داشته باشد، پیشرفت در مقابله با این جرایم، سریع‌تر حاصل می‌گردد.^۲

متغیرهایی مانند پایین‌انگاشتن جایگاه زن، کمبود مراکز تفریحی، تمایل به ایجاد رابطه با جنس مخالف، مقابله با فرهنگ بیگانه و افزایش جمعیت و کاستی در توزیع عادلانه امکانات را می‌توان نمونه‌ای از بروز عوامل اجتماعی در وقوع این قبیل جرایم دانست.^۳ واقعیت این است که اجتماع امروز ایران، هیچ عزمی در مقابله با مزاحمین نوامیس مردم نداشته و در برخی موارد به دلیل اینکه ممکن است ضرب و جرحی صورت گیرد از بیان این مسئله فرار کرده و یا پنهان می‌کنند. زمانی که مسئله اشتغال زنان با بحران مواجه شود و تعداد زیادی از زنان در مسئله تحصیلات از جایگاه بالایی برخوردار نباشند^۴، باعث می‌گردد که توان آن‌ها نادیده گرفته شود و عملاً رشد چندانی از نظر اجتماعی برای آن‌ها تصور نگردد. بی‌توجهی مسئولین در رده قانون‌گذاری، اجرایی و نظارتی نیز بر این حمله می‌افزاید و زنان توانای ایرانی، به سختی می‌توانند توانایی‌های خود را ثابت کنند. آنچه در قوانین نیز قابل‌رؤیت است، نوعی عدالت جلی و تبعیض خفی و در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه زن عمدتاً بر اساس کارکردهای سنتی مرتبط با نهاد خانواده تعریف شده است. به بیان دیگر، توجه به حقوق و موقعیت زنان بیشتر در چارچوب نقش‌های همسری و مادری آنان صورت می‌گیرد. این نگرش، بازتابی از ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی حاکم بر ساختار خانواده در جامعه ایران است که بر مسئولیت‌های خانوادگی زنان تأکید دارد. باین حال، این دیدگاه می‌تواند زمینه را برای بررسی تأثیر چنین رویکردی بر مشارکت زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی فراهم کند.^۵ کمبود مراکز تفریحی برای آقایان و بانوان و محدود کردن آنان از هر نظر نیز تبعاتی دارد که اگر در مقابل هر نباید، بایستی طرح نگردد باعث می‌گردد که افراد زمان خود را به هدر داده و در اوقات فراغت خود، مزاحم بانوان شدن را یک برنامه جذاب بدانند. قبل و پس از انقلاب در خصوص اوقات فراغت جوانان نیز برنامه‌های کارشناس‌های صورت نگرفته است. به خصوص در سال‌های پس از انقلاب با ارائه قوانینی اسلامی

۱. گسن، جرم‌شناسی نظری، صص ۱۳۸-۱۴۰

۲. سماواتی پیروز، عدالت ترمیمی؛ تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن، صص ۱۱۴-۱۱۵

۳. وظیفه، جنسیت و بزه‌کاری با نگاهی به قوانین کیفری ایران، ص ۲۰۷

۴. در این تحقیق ۱۳ زن از ۳۰ زن به دانشگاه رفته که ۳ نفر از آنان در مقطع کارشناسی ارشد بوده‌اند و مابقی دارای مدارک تحصیلی دیپلم و زیر دیپلم می‌باشند.

۵. عبادی، حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۱

در نوع پوشش، رفتار و گفتار، جامعه‌شناسانه به موضوع جوانان پرداخته نشده است. آنچه در کشور جاری است، فرهنگی است که از یک طرف در نگاه عامیانه، هنوز زن را موجود دوم می‌داند. تلاش و فعالیت زن را تنها در منزل و خانه‌داری می‌دانند. در نظر این افراد حضور زنان باید در حال اضطرار باشد. این افراد نسبت به مزاحمتی که به این قشر وارد می‌شود، ناشی از خود زن می‌دانند و راه مقابله با آن را عدم خروج زن از خانه و یا کمتر ظاهر شدن در جامعه می‌دانند؛ در حالی که جامعه جهانی سال‌ها است که مهر بطلان بر این اندیشه زده است. مسئله دیگری که به عنوان عامل اجتماعی نمی‌توان از آن گذشت، مسئله ارتباط با جنس مخالف است. مسئله‌ای که با توجه به فرهنگ، مذهب و آداب و رسوم ایران با اماواگر روبرو است. این مسئله با ورود فرهنگ بیگانه به کشور رنگ دیگری به خود گرفته و با شدت بیشتری ابراز وجود می‌کند. می‌توان بر این نظر بود که طرز نگاه جامعه با کمی تغییر، تأثیر به‌سزایی دارد. نه آن قدر باید به مسئله ارتباط میان جنس مخالف حساس شد و نه آن قدر نسبت به مزاحمت بی‌تفاوت بود. هضم برخی از وقایع با توجه به فرهنگ ایران، کمی دشوار است ولی روبرو شدن با آن‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر به دنبال سرکوب این مسئله باشیم، به‌طور قطع، از جای دیگری سرباز کرده و عملاً اجتماع دچار برخی تناقضات می‌گردد^۱.

لازم به ذکر است که عامل اقتصادی، به‌تنهایی نمی‌تواند در اولویت باشد و بروز جرم مزاحمت برگرفته از مسائل اقتصادی امری دور از ذهن تلقی می‌گردد. لکن واقعیت دیگری نیز وجود دارد که مسائل اقتصادی بر سرنوشت زنان تأثیر بیشتری نسبت به مردان می‌گذارد. در برخی از مواردی که به خیال ما مزاحمت است ولی در نهان، نوعی فحشا را رقم می‌زند، عامل اصلی آن را می‌توان بروز مشکلات اقتصادی دانست. بردگی و قاچاق زنان، ازدواج‌های اجباری یا نامتعارف، تصویرسازی‌های مستهجن و توجه به هرزه‌نگاری، نمونه‌هایی از ردپای مشکلات اقتصادی در مسائل مربوط به زنان است. یکی از محورهای فکری فمینیسم افراطی نیز، برابری اقتصادی و پویایی آن از نگاه‌های آزادمنشانه است که چندان مورد تأیید نیست^۲.

دیدگاه و نظر جامعه در مواردی که این جرم در دید آن‌ها هم اتفاق می‌افتد مانند ده‌ها موردی که هرروزه در کوچه و خیابان رخ می‌دهد، به‌طور مثال جوانی با الفاظ و رفتار ناشایست خود زن را مورد آزار قرار می‌دهد، با وقاحت در مقابل خشم و اعتراض زن، لبخند زده و سخن عفت سوز خود را تکرار می‌کند جمعیت نگاهی به او می‌اندازند و برخی هم با بی‌تفاوتی تام از کنار این صحنه‌ها می‌گذرند. بی‌توجهی جامعه در برابر رفتارهای ناهنجار، ناخواسته به تشویق مجرم و تکرار جرم منجر می‌شود. اگر شهروندان بدانند که سکوت در برابر چنین صحنه‌های تأسف‌باری، نه‌تنها موجب جسارت بیشتر مرتکب می‌شود، بلکه ممکن است در آینده دامن خودشان و عزیزانشان را نیز بگیرد، بی‌شک در رویکرد خود بازنگری خواهند کرد. این آگاهی عمومی می‌تواند جامعه را به سمت

۲. عظیم زاده اردبیلی و دیگران، مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب، ص ۱۷۷
۱. آشوری و دیگران، حقوق بنیادین بزه دیده در فرایند دادرسی کیفری، ص ۱۱.

مسئولیت پذیری بیشتر و واکنش به موقع در برابر ناهنجاری‌ها سوق دهد. در میان بسیاری از مرتکبین این جرم می‌توان ریشه را در خانواده جستجو کرد. تربیت نامناسب، خلأهای عاطفی و نبودن آرامش در محیط خانه می‌تواند باعث بروز رفتارهای نامناسب در بیرون از خانه می‌شود. یک جامعه‌شناس بیکاری، سرکوب عقده‌ها و مشکلات خانوادگی و اقتصادی مردان را از بروز واکنش منفی مزاحمت برای بانوان و اعتراض به حضور گسترده و پیشرفت بانوان در عرصه‌های اجتماعی عنوان کرد.^۱

افزایش آمار مزاحمت و خشن‌تر شدن این رفتارها نشان از ضعف کارکرد قوانین دارد. اگر به این مطلب، عدم گزارش بزه دیدگی را نیز بیفزاییم، باید بر این مطلب تأکید کنیم که قوانین و قوای اجراییه قوانین به درستی نقش خود را ایفا ننموده‌اند. اساساً امروزه صرف توسل به قانون برای برقراری نظم و امنیت دیگر کارساز نیست چون قانون از این‌که مردم را وادار کند چگونه باهم حشرونشر انسانی داشته باشند و چطور رفتار کنند و از این‌که مردم را مطیع ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی کند ناتوان است.^۲ حقیقت این است که ضابطین در برخورد با این جرم، بیشتر با بزه‌دیدگان برخورد می‌کنند تا با مجرمین این جرایم. اینکه زنان به دلیل حفظ آبرو خود طرح دعوا نمی‌کنند، حکایت از این دارد که اگر زنی به پلیس شکایت کند و انتظار برخورد و جلوگیری از جرم مزاحمت داشته باشد، بیشتر شاهد نصایحی است که مفهوم آن این است که خود زن مقصر است. این طرز فکر که امروزه به عموم افراد جامعه سرایت کرده است نوعی تبعیض را نیز به همراه دارد. مثلاً اگر خانمی با پوشش چادر نسبت به این جرم شکایت کند، به نسبت پیگیری بیشتری توسط مأمورین صورت می‌گیرد. در حال حاضر بروز مزاحمت را بیشتر بر پایه نحوه پوشش و رفتار زن می‌دانند که باعث می‌گردد تا این نگرانی برای شکات این دعوی وجود داشته باشد که در صورت طرح دعوی، دعوی منقلب شود و بزه‌کار کنار زده شده و بزه دیده علت و مقصر جرم شناخته می‌شود. بدیهی است این شیوه رسیدگی حاصلی نداشته و اقدامات دیگری مانند گشت ارشاد، گشت امنیت اخلاقی، دوربین‌های امنیتی و حتی پلیس ۱۱۰ نیز توفیقاتی به دست نمی‌آورند. به نظر علت این مسئله، وجود فاصله میان بزه دیده و کسانی است که داعیه حمایت از حقوق او را به عهده دارد؛ است. در خیابان‌ها و اماکن عمومی مزاحمت‌ها از نگاه‌های آزاردهنده تا بیان الفاظ رکیک و گاهی تعرضات فیزیکی را در برمی‌گیرد. این امر به صورت یک معضل در جامعه به خوبی نمایان است. پیامدهای منفی رفتارهای مزاحمانه در عرصه عمومی تا حدی جدی است که حتی مراجع حقوقی نیز به آن پرداخته‌اند. به عنوان نمونه، اداره حقوقی قوه قضائیه در یک نظریه مشورتی اعلام کرده است که تعقیب زنان در معابر عمومی با قصد مزاحمت، می‌تواند مشمول مجازات تحت ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی باشد. این موضوع پیشینه‌ای تاریخی نیز دارد؛ چنانچه در بند ۱۹ ماده ۳ آیین‌نامه امور خلافی مصوب ۱۳۲۴، برای افرادی که به صورت مکرر اقدام به تعقیب زنان یا دختران در معابر عمومی می‌کردند، مجازات حبس و جریمه

۲. شیخ‌الاسلامی، جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران، ص ۶۳
۳. صفاری، مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفر شناسی، صص ۲۴۲-۲۴۵

نقدی در نظر گرفته شده بود.^۱ در اعلامیه جهانی حقوق بشر بیان شده است: به موازات حضور زنان در اجتماع انواع جدیدی از خشونت در عرصه رقابت با مردان اضافه شده است، لذا تأمین امنیت زنان در جامعه باید مورد توجه جدی حکومت‌ها واقع شود.^۲

در این راستا، راهکارهای پیشگیرانه نیز وجود دارد:

۱) ارتقاء وضعیت فرهنگی: توجه به مسئله فرهنگ از اقدامات بنیادین و مهمی است که به عنوان زیرسخت در هر جامعه‌ای از آن یاد می‌شود. با توجه به نقش بزهکار و بزه دیده در وقوع چنین جرایمی، ضرورت توجه به ارتقاء مسئله فرهنگ بیش از پیش احساس می‌گردد. علت این امر نیز به نقش فرهنگ در اقدامات طرفین جرم برمی‌گردد.^۳

۲) افزایش آگاهی: افزایش آگاهی نسبت به فرد بزهکار، مانند آن است که او را نسبت به قبح این عمل و مجازات و برخورد جامعه آگاه کرده که یکی از تأثیرگذارترین روش، پرداختن به مسئله مزاحمت در فیلم و به‌طور کلی در رسانه‌ها است. زمانی که فیلم یا اثری با کیفیت، اثرات وقوع این جرم را به آحاد جامعه تذکر دهد، می‌توان شاهد اثرگذاری آن بود. امری که تا به حال به آن توجه شایانی نشده و عملاً فقط صحنه وقوع جرم مزاحمت در آن نمایش داده شده است و برخورد با بزهکار توسط مقام قضایی و مردم (به‌خصوص مردم) چشم‌گیر نبوده است. پرداختن به این مطلب به عنوان یک معضل اجتماعی در جرایم، مطبوعات و کتاب‌ها می‌تواند مفید باشد. لازم به ذکر است که این حرکت جزء پیشگیری اجتماعی محسوب شده و می‌توان بر پایه پیشگیری رشد مدار، با تأکید بر قبح این قبیل از جرایم در کتب درسی و آموزش فرهنگ مناسب، شاهد آن بود که در نسل‌های آتی این جرم مورد عمل پیشگیرانه قرار گرفته است. افزایش آگاهی نسبت به فرد بزه دیده، از آنجا اهمیت دارد که بر میزان گزارش بزه دیدگی تأثیر گذاشته و افراد با طرح شکایت و یا استمداد از افراد ذی صلاح، عزم خود را نسبت به برخورد این جرایم نشان دهند. باید بر این نکته نیز تأکید کرد که سطح اطلاعات و آگاهی افراد جامعه که در این میان افراد مشارکت‌کننده در پروسه قضایی را نیز شامل می‌گردد، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده و با شناساندن اندیشه قانون‌گذار، از پیشگیری اجتماعی جامعه مدار بهره‌مند می‌شود.^۴

۳) آموزش: آموزش رفتار صحیح و تعاملات اجتماعی سالم و مفید از دیگر مطالبی است که چندان واضح در کتب درسی نشان داده نشده و افراد برای افزایش اطلاعات و کنجکاوی خود، از ابزارآلات و اندیشه‌هایی نامتعارف استفاده می‌کنند. اینکه جوانان برای ایجاد ارتباط از مشورت با افراد صالح محروم باشند و مسیر آموزش دانشگاهی را نسبت به آن ناتوان ببینند، دردناک و غم‌انگیز است. نهایت غافل شدن از این مسئله نیز، آن

۱. زینالی، اثر فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آن‌ها، ص ۲۰۱

۲. ناظمی، برابری زن و مرد در اسلام و غرب. (حقوقی متناسب و عادلانه با توجه به اعلامیه‌های حقوق بشر)، ص ۱۷۳

۳. نجفی ابرندآبادی، تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی، ص ۲۷۸

۴. توجهی، اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست تقنینی ایران، ص ۶۶۱

می‌شود که از افراد و حتی نوشته‌هایی کمک می‌گیرند که نتیجه‌ای جزء ارتکاب جرایم این‌چنینی نخواهد داشت. بدیهی است که مسئله آموزش در ابتدا نیاز به برنامه و طرح جامعه دارد که در کنار پیشبرد مطالب اخلاقی و اعتقادی، می‌توان به مسائل حقوقی نیز پرداخت.^۱

(۴) رفع ایرادات قانونی: در برخی از موارد، قانون‌گذار ایران با جرم‌انگاری برخی از رفتارهای خاص که زنان بیشتر از رهگذر آن‌ها بزه دیده می‌شوند به حمایت کیفری ویژه از زنان بزه دیده اقدام کرده و گاه با حمایت کیفری کمتر از زنان در برابر مهم‌ترین جرم‌های علیه تمامیت جسمانی مانند قتل، قطع عضو و ضرب و جرح، رویکرد تبعیض منفی را اتخاذ کرده است. در موارد بسیاری نیز، قانون‌گذار اصل برابری را رعایت کرده است. ولی در مورد حمایت قانونی و ویژه از زنان بزه دیده در فرآیند کیفری، خلأهای قانونی وجود دارد. زیرا زنان بزه دیده در ایران از شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی برای ورود به فرآیند کیفری و ادامه آن بهره‌مند نیستند. با توجه به این موارد، انجام اصلاحات زیر برای حرکت به سمت شکل‌دهی و هویت بخشی به حقوق کیفری زنان بزه دیده ضروری است.^۲

(۵) حمایت برابر و ویژه از زنان بزه دیده: اگرچه مفهوم این عنوان از حذف همه شکل‌های تبعیض منفی مانند تفاوت دیه زن و مرد و یا حذف ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ حکایت دارد ولی می‌توان در باب موضوع این نوشته به حمایت‌هایی مانند تشدید مجازات مجرمان و شدت در برخورد با آن‌ها اشاره کرد که این شدت در مجازات با مسئله تکرار یا تعدد نیز دوچندان شده و سرکوب مجرمانی که به فرهنگ و اقدامات پیشگیرانه توجهی ندارند، می‌تواند مفید باشد. استیفای حقوق زنان از طریق مسئله جبران خسارت با تبیین جریمه نقدی سنگین و حمایت از حیثیت زنان امری است که در مواد قانونی مغفول مانده است. باید بر این نظر بود که زنان در مقابل مردان نیاز به حمایتی دارند که نحوه نگرش به آن‌ها، تغییر کرده و از نظر اجتماعی و حقوقی با مردان برابر باشند. از طرف دیگر با حمایت ویژه از زنان بزه دیده، آنان را از آسیب مصون دارد.^۳

(۶) حمایت ویژه از زنان بزه دیده در فرآیند دادرسی: توجه به طرح شکایت آنان، حضور سریع و به موقع نیروهای انتظامی، تکریم زنان بزه دیده و احترام به حقوق آنان در مراجع قضایی، تغییر در برخی از عقاید و رفتارهای پلیس با زنان بزه دیده، ایجاد شرایط و امکانات لازم مانند وکیل رایگان برای زنان بزه دیده، استفاده از دادرسی زن و حمایت‌های اجتماعی، اقتصادی، پزشکی و روانی را می‌توان به عنوان حمایت ویژه از زنان نام برد. استفاده از آمار و وجود مرجع آماری قدر متیقن، می‌تواند در امر آموزش و تنظیم برنامه‌ها و سیاست‌های آموزشی مفید

۲. نجفی ابرندآبادی، همان، ص ۲۸۱

۱. جمعی از نویسندگان، زن و حقوق کیفری (مجموعه مقالات، نتایج کارگروه‌های و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری؛ گذشته، حال و آینده، ص ۲۴۰

۲. لیز و دیگران، بزه دیده و بزه دیده شناسی، صص ۵۴-۵۵

بوده و راهگشا است.^۱

۷) ایجاد گفتمان و توجه به نیازهای نسل جوان: تأکید اکثریت افرادی که در برنامه نظرسنجی شرکت کرده بودند بر این بوده است و معتقدند که علاوه بر مسیر قانونی، فرهنگی و آموزشی، نیاز به گفتگو و توجه به نیازهای قشر جوان احساس می‌گردد. با عنایت به اینکه اکثریت بزه‌کاران و بزه‌دیدگان این جرم جوانان هستند، باید مسائل مربوط به آنان مورد توجه قرار گیرد. وجود مشاغل و سرگرم بودن افراد به کارهای مفید اجتماعی، مانع از آن می‌شود که افراد ایجاد مزاحمت کنند. ایجاد رفاه مادی و تلاش برای آماده‌سازی افراد از نظر مالی و فکری در مسئله ازدواج می‌تواند نقش خود را ایفا کند که این امر نیاز به برنامه‌بودجه مخصوص دارد. ایجاد امکانات ارزان و همگانی برای زمان‌های فراغت افراد نیز، تأثیر مثبت داشته و پیشگیری از جرایمی مانند مواد مخدر و جرایمی که از مسائل مالی و اقتصادی نشاءت می‌گیرد بر کنترل افراد جامعه، به خصوص قشر جوان کمک شایانی خواهد کرد.^۲

روش تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی تحلیلی و با توجه به دو جنبه جرم‌شناسی و حقوقی موضوع پژوهش، شیوه مطلوب اتخاذ شده میدانی و کتابخانه‌ای است. تبیین مسئله جرم‌شناسی با مطالعه موردی و میدانی اعتبار ویژه به ادعاهای صورت گرفته خواهد داد که با شناسایی بزه‌دیدگان این جرم و ارائه فرم پرسشنامه در این رابطه می‌توان به تأیید برخی از نظریات نزدیک شد. برای این مسئله، فرم‌های پرسشنامه‌ای تدوین شد که به ۲۰ مرد و ۳۰ زن در اسفند ۱۴۰۳ در شهر مشهد در مناطق مختلف برخوردار و کم برخوردار و حاشیه شهر ارائه گردید. هدف اصلی در ارائه این فرم‌ها، بررسی نظرات افراد در ارتباط با این مسئله بوده است که این عمل باعث شد تا عنوان نظرسنجی برای آن انتخاب گردد. به نظر می‌رسد نتایجی که از تحلیل داده‌های این نظرسنجی به دست آمد، قابل تعمیم به سایر افراد جامعه است. زیرا تلاش بر این بود که از همه اقصای جامعه پرسش صورت گیرد و نظرات آن‌ها سنجش شود. لکن ماهیت این نظرات را نباید با آنچه در جامعه دیده می‌شود در تعارض دید. بدون شک هر مردی در ایران حداقل برای یک بار صحنه مزاحمت نسبت به بانوان را از نزدیک دیده است. همین امر باعث شد که هر دو جنس (مرد و زن) مورد سؤال قرار گیرند. این شیوه دو خاصیت بارز دارد. اول آنکه با دیدگاه‌ها آشنا شده و دوم اینکه، عکس‌العمل حاصل از ارائه فرم‌ها باعث می‌گردد تا با ذهنیت آحاد جامعه آشنا شده و برای دستیابی به نتیجه، مسیر پویاتری را طی بنماییم.

۳. رایجیان اصلی، بزه دیده در فرایند کیفری، ص ۷۹

۴. توجهی و دیگران، بزه‌دیده‌شناسی و مشکل بزه‌دیدگی‌های گزارش نشده، صص ۷۱-۸۰

تبیین داده‌های میدانی

داده‌های میدانی مطابق تقسیم‌بندی صورت گرفته در فرم پرسشنامه، به ۶ موضوع اختصاص دارد که عبارت است از: چگونگی وقوع جرم مزاحمت نسبت به بانوان، میزان سن بزهکاران، میزان گزارش بزه دیدگی، نوع جرم مزاحمت، نقش پوشش زنان و ارزیابی حمایت قانون‌گذار. در ادامه به این موضوعات پرداخته می‌شود.

چگونگی وقوع جرم مزاحمت نسبت به بانوان

در زمینه جرم مزاحمت باید بر این نظر بود که بیش از ۹۰ درصد زنان در ایران مورد یک نوع از مزاحمت قرار گرفته‌اند. به طور مثال از میان ۳۰ زن که مورد نظرسنجی قرار گرفته بودند، حداقل یک بار، ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵، برای آن‌ها صدق کرده و می‌توانستند از آن استفاده کنند. در این میان تفاوتی از نظر سن میان بزه‌دیدگان وجود نداشته و عملاً تمامی رده‌های سنی بالغ (۱۰ سال به بالا) مورد مزاحمت قرار گرفته‌اند. لکن در رده سنی خاصی، مانند ۱۷ تا ۳۰ سال، تکرار جرم بیشتر و در واقع در یک هفته، ممکن است به طور متوسط ۵ تا ۱۵ مرتبه، مورد مزاحمت قرار گیرند. لکن این میزان در زنانی با پوششی مانند چادر و در رده سنی ۵۰ سال به بالا، به حداقل خود رسیده ولی به اذعان خود آن‌ها، هنوز جرم مزاحمت در کمین آن‌ها است. جالب این است که از ۲۰ مرد در این نظرسنجی، فقط ۳ نفر اذعان داشتند که طعم عمل مزاحمت را در دوران جوانی خود چشیده‌اند. ۲ مرد نیز مورد عمل مزاحمت توسط زنان قرار گرفته‌اند که با عنصر قانونی جرم مزاحمت تفاوت داشته است و شامل جرایم دیگری همچون اخاذی، توهین و امثال این‌ها شده است. چند نکته در مسئله میزان جرم مزاحمت مورد توجه است که با توجه به مصاحبه و نظرسنجی از افراد، معلوم می‌گردد که می‌توان به عنوان فرضیه به آن‌ها نگریست.

جدول ۱. میزان وقوع جرم مزاحمت

جامعه آماری	میزان وقوع جرم مزاحمت نسبت به بانوان (به تعداد)	میزان وقوع جرم مزاحمت نسبت به بانوان (به درصد)
۵۰ نفر	۴۷ مورد	۹۴ درصد

به نظر می‌رسد ۶ درصد باقیمانده یا مورد مزاحمت قرار نگرفته‌اند و یا آن قدر کم و نامحسوس بوده است که چیزی از آن در ذهن ندارند. این افراد عموماً کسانی می‌باشند که اکثر زمان‌های خود را در محل‌هایی می‌گذرانند که بیشتر بانوان یا محارمشان حضور داشته‌اند. مانند منزل، حوزه‌های علمیه بانوان و مساجد.

میزان سن بزهکاران

بررسی‌ها نشان داده است که مردان در رده سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، بیشتر مرتکب این نوع جرم شده و افراد کمتر از ۲۰

سال عموماً مزاحم دختران زیر ۲۰ سال می‌شوند که ۲۸ زن از ۳۰ زن، مزاحمت آن‌ها را جدی نمی‌دانند و در برخورد قانونی را نسبت به آنان نامناسب می‌دانند. افراد بیش از ۴۰ سال نیز، نسبت به موارد خاصی، مانند زنانی که پوشش هنجارشکن دارند، مزاحم شده و این افراد نیز به دلیل شرایط خاص، به ارتکاب این جرم روی آورده‌اند.

جدول ۲. سن بزهکاران جرم مزاحمت

رده سنی بزهکاران	کمتر از ۲۰ سال	۲۰ تا ۴۰ سال	بیش از ۴۰ سال
میزان به درصد نسبت به هر رده سنی	۱۸	۷۴	۱۰

میزان گزارش بزه دیدگی

از ۳۰ زن در این نظرسنجی این پرسش به عمل آمد که آیا برای شما مزاحمتی به مانند آنچه در ماده ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ مطرح شده، رخ داده است؟ اکثریت موارد بر این نظر بودند که این جرم علیه آنان به وقوع پیوسته است و به نوعی بزه دیده این جرم محسوب می‌شوند. سؤال دیگر این بود که آیا تا به حال به مرجع قضایی یا پلیس طرح دعوا کرده‌اند که به جز ۲ مورد، سایر افراد، یعنی ۲۸ نفر این کار را انجام نداده و علت عدم گزارش بزه دیدگی خود را این‌گونه اعلام کردند.

جدول ۳. علت عدم گزارش بزه دیدگی

علت	پاسخ بانوان	پاسخ آقایان	میزان به درصد کل
آشنا نبودن به قانون و مراجع قضایی	۶	۴	۱۱.۹
بی‌فایده بودن و تأثیر نداشتن شکایت	۹	۷	۱۹
ترس از پلیس و مقام قضایی	۲	۶	۹.۵
بی‌اعتمادی به پلیس و مقام قضایی	۹	۲	۱۳
ترس از مجرم نسبت به آینده	۳	۳	۷.۱
حفظ آبرو	۱۱	۷	۲۱.۴
کوچک دانستن موضوع	۴	-	۴.۷
کوچک دانستن شخص مزاحم	۱	-	۱.۱
نداشتن وقت برای طرح شکایت	۵	۳	۹.۵
مقصر دانستن خود	۱	۱	۲.۳
جمع	۵۱	۳۳	۱۰۰

عدم گزارش بزه دیدگی، نتیجه چند عامل می‌تواند باشد. مهم‌ترین عامل، ضعف سیستم قضایی و امنیتی است که نمی‌تواند امنیت جانی و به‌طور کلی آینده بزه دیده را تأمین کرده و به فرد بزه دیده بیشتر آسیب می‌رساند. پس از آن

بی‌عدالتی در این سیستم را به‌عنوان عامل مطرح می‌نماییم. چراکه نحوه دید و نگرش قضات به فرد بزه دیده و اعمال مجازات نامناسب، باعث می‌گردد که نسبت به هردو نفر، عدالت اجرانشده و بر سرنوشت آنان تأثیر بگذارد.

نوع جرم مزاحمت

آنچه در مطلق ماده ۶۱۹ می‌توان گنجاند، فقط مزاحمت در خیابان و معابر عمومی است و شامل مزاحمت به‌وسیله تلفن، اینترنت و در خودرو نمی‌گردد. مکان‌هایی نیز که به‌عنوان معبر عمومی تلقی می‌گردد، با محل کار و یا محل‌های خصوصی متفاوت است. مزاحمت و تعرض برای بانوان در فضای عمومی به هرگونه رفتار آگاهانه و عامدانه‌ای گفته می‌شود که موجب سلب آسایش و احساس امنیت آنان گردد. این رفتارها شامل تعقیب کردن، به کار بردن الفاظ یا انجام حرکات ناشایست و هرگونه عمل تحقیرآمیزی است که علی‌رغم مخالفت و اعتراض فرد، همچنان ادامه یابد. تشخیص مصادیق این رفتارهای ناپسند بر اساس معیارهای عرفی و هنجارهای پذیرفته‌شده در جامعه صورت می‌گیرد و قضات با توجه به این معیارها در مورد ماهیت مجرمانه رفتارها تصمیم‌گیری می‌کنند.^۱ این‌گونه رفتارهای نابهنجار صرفاً در اماکن عمومی مانند خیابان‌ها، میدان‌ها، ادارات، مراکز خرید، بیمارستان‌ها و سایر مکان‌های در دسترس عموم قابل پیگرد قانونی است. ویژگی اصلی این اماکن، آزادی تردد همگانی در تمام ساعات شبانه‌روز است. نکته حائز اهمیت این است که برای تحقق جرم مزاحمت، حضور شاهدان شرط نیست و صرف وقوع رفتارهای مزاحمانه در فضای عمومی کافی است تا مرتکب تحت پیگرد قانونی قرار گیرد. در مقابل، رفتارهای مشابه در اماکن خصوصی، حتی اگر با حضور شاهدان متعدد انجام شود، مشمول این قانون خاص نخواهد بود. این تمایز نشان‌دهنده حساسیت قانون‌گذار نسبت به حفظ امنیت و آرامش بانوان در عرصه عمومی است. همین‌طور مزاحمت در اتوبوس یا تاکسی، مزاحمت در معابر یا اماکن عمومی تلقی نمی‌گردد. با عنایت به این مطلب، انواع فعل مادی مزاحمت در این اقسام گنجانده شده است که مزاحمت خیابانی و نیز مزاحمت به‌وسیله خودرو نسبت به زنان عابر پیاده، در صدر قرار دارند.

جدول ۴. میزان جرایم با توجه به انواع آن‌ها

درصد (جامعه آماری ۳۰ زن)	انواع مزاحمت‌ها
۴۱	مزاحمت تلفنی
۹۴	مزاحمت خیابانی
۳۰	مزاحمت اینترنتی
۲۳	مزاحمت در محل کار
۱۵	مزاحمت در محل‌های خصوصی
۵۶	مزاحمت به‌وسیله خودرو نسبت به زنان عابر پیاده
۲۸	مزاحمت به‌وسیله خودرو نسبت به زنان در خودرو

۱. عظیم زاده اردبیلی و دیگران، پیشین، ص ۱۷۷

هر یک از این نوع مزاحمت‌ها، بزه‌کار و بزه‌دیده متفاوتی داشته که به طبع آن، شرایط وقوع جرم نیز متفاوت است. خواسته‌ها و حاصل از یک مزاحمت نیز می‌تواند متفاوت باشد. به‌طور مثال در مزاحمت تلفنی، فرد بزه‌کار از شرایط روانی متفاوتی برخوردار بوده و هدف خاص خود را دنبال می‌کند. مرتکبین این نوع از مزاحمت با افرادی که در عرض چند دقیقه تصمیم می‌گیرند مزاحم یک زن شوند، دلایل خاص خود را داشته و نتیجه دیگری را جویا هستند. این مسئله در مزاحمان اینترنتی نیز موجود است. آنان زمان و برنامه بیشتری را صرف فعل مادی مزاحمت خود کرده و تدبیر بیشتری را برای آنچه قرار است مرتکب شوند صورت می‌دهند. افرادی که به‌وسیله خودرویشان مزاحم زنان (چه پیاده و چه سواره) می‌شوند، عموماً قشر خاصی از زنان را برای این کار انتخاب کرده و مکان این عمل برای آنان مهم است.^۱ اما خیابان‌ها تنها مکان ناامن برای بانوان نیست. آنان در محل کار خود و یا در محل‌های خصوصی، مورد مزاحمت قرار گرفته و به‌عنوان مختلف مورد توهین، تعرض و مزاحمت قرار می‌گیرند. بدیهی است این جرم متغیرهایی دارد که به‌عنوان نمونه می‌توان به تأثیر پوشش زنان در وقوع این جرم و ارزیابی از حمایت قانون‌گذار اشاره کرد.

نقش پوشش زنان

بیش از ۷۵ درصد مردان و بیش از ۵۰ درصد زنان بر این نظر هستند که حجاب زنان در وقوع این جرم تأثیرگذار بوده و اگر حجاب زنان با تغییر روبرو گردد، می‌توان در مشاهده آمار وقوع جرم، تغییر چشم‌گیری را احساس کرد. در این رابطه ۴۷ درصد زنان و ۲۴ درصد مردان، حجاب زنان را چندان تأثیرگذار ندانسته و معتقدند که مشکل از جای دیگری است. برای اثبات این ادعا نیز، به مسئله مزاحمت در غرب اشاره کرده و بر این نظر هستند که در آن جوامع نیز مزاحمت وجود دارد. درحالی‌که مقوله حجاب در غرب به‌عنوان متغیر بیان نمی‌گردد.

جدول ۵. تأثیر حجاب زنان در وقوع این جرم

مردان معتقد به تأثیر حجاب در وقوع این جرم	زنان معتقد به تأثیر حجاب در وقوع این جرم
۷۶	۵۳

حجاب زن در ایران یک الزام و اجبار و این واقعیتی است که در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ و تبصره آن غیرقابل انکار است. زنان در ایران نمی‌توانند گزینه دیگری مانند بدون حجاب را انتخاب کنند و نه تنها زنان ایرانی نمی‌توانند، بلکه زنانی که تابعیت ایران را ندارند و فقط صرف حضور در ایران، ملزم به رعایت حجاب در اماکن و انظار عموم می‌باشند. این ماده قانونی، بی‌حجابی را جرم دانسته و با عنایت به اعتقادی که نسبت به

۲. نجفی ابرندآبادی، پیشین، ص ۳۱۱

قانون اساسی و دین اسلام در ایران موجود است، مشروعیت این جرم‌انگاری بدیهی است. سوای از آن‌که به فلسفه حجاب یا فواید و مضرات و امثال این مباحث پرداخته شود، به دید عموم جامعه باید توجه کرد امروز با توجه به فرهنگ هر منطقه مسئله حجاب رنگ و بوی خاص به مسائل می‌دهد. در این جرم، زنانی که حجاب کامل ندارند، بیشتر مورد مزاحمت قرار می‌گیرند. این فرضیه‌ای است که با حضور در یک مکان می‌توان به راحتی مشاهده کرد. شاید افراد مزاحم بر این نظرند که آزادی روابط برای اینان تعریف شده و یا چراغ سبزی به مزاحمان قلمداد می‌شود. اگرچه که زنانی با حجاب کامل مورد مزاحمت قرار می‌گیرند و حتی سن آنان، مزاحمان را به شرمندگی و انمی دارد، ولی باید اذعان کرد که کم حجابان و یا افرادی که حجاب متناسب با عرف و فرهنگ مکان مورد نظر خود انتخاب نمی‌کنند، بیشتر بزه دیده شده که پیشگیری وضعی در این مسئله، رعایت حجاب را به مصلحت می‌داند. حداقل تأثیری که رعایت حجاب بر این مسئله دارد، توجه به مطلب پیشگیری است و محیط جرم را زمینه و عامل تحریک مجرم نمی‌سازد.

ارزیابی حمایت قانون‌گذار ایران

۷۵ درصد مردان، بر این ادعا هستند که مزاحمت نسبت به بانوان جرم است، لکن فقط ۳۰ درصد مردان از میزان مجازات این جرم اطلاع داشته‌اند. ۶۰ درصد زنان نیز ابراز اطلاع از وجود ماده قانونی جرم مزاحمت کرده‌اند ولی فقط ۲۳ درصد آنان این میزان مجازات را برای این جرم تصور می‌کردند. این آمار حکایت از آن دارد که بزه‌کاران این جرم، بیشتر از بزه‌دیدگان این جرم از وجود ماده قانونی اطلاع داشته ولی با این وجود ارتکاب این جرم، روزبه‌روز بیشتر می‌گردد.

جدول ۶. ارزیابی نحوه حمایت قانون‌گذار

ارزیابی‌ها از نحوه حمایت قانون‌گذار از بانوان	پاسخ بانوان	پاسخ آقایان	میزان انتخاب این نظر به درصد (جامعه آماری ۵۰ نفر)
مفید است و باعث کاهش وقوع این جرم می‌شود	۶	۳	۱۱
بی‌فایده بوده و تأثیری در میزان وقوع این جرم ندارد	۷	۹	۱۹.۷
بی‌فایده است چون کسی شکایت نمی‌کند	۸	۳	۱۳.۵
باعث پیشگیری و ترس مزاحمان شده است	۵	۳	۹.۸
باعث دلگرمی برای زنان شده است	۵	۲	۸.۶
به نظر من شامل همه نوع مزاحمت نمی‌شود	۵	۳	۹.۸
به نظر من شامل همه نوع توهین نمی‌شود	۲	۳	۶.۱
به نظر من مجازات آن کم است	۷	۴	۱۳.۵
به نظر من مجازات آن مناسب است	۱	۵	۷.۴
جمع	۴۶	۳۵	۱۰۰

نظر افراد نسبت به این ماده نیز جالب توجه است. بیشترین آمار در این نظرسنجی حکایت از بی‌فایده بودن شکایت دارد که یا متأثر از این است که جرم مزاحمت ریشه‌کن نمی‌شود و یا از نبودن عزم جامعه در برخورد با مزاحمان حکایت دارد. پس از آن، بیشتر افراد معتقدند که مجازات این جرم کم است.

تحلیل داده‌ها

نتایج حاصله از بررسی آمارها حکایت از این دارد که:

- (۱) مقوله مزاحمت، نسبت به مسئله سن چندان ارتباطی نداشته و به هر حال، بیش از ۹۰ درصد زنان در جامعه ایران، مورد جرم مزاحمت قرار گرفته‌اند.
- (۲) افرادی که عمل مزاحمت نسبت به آن‌ها نامحسوس است، بسیار در اقلیت بوده و به خاطر برخی از ویژگی‌ها، مانند حضور در مکان مخصوص بانوان و یا حضور محارم، شامل جرم مزاحمت نشده‌اند.
- (۳) ساختار یک جامعه در میزان وقوع جرم مزاحمت نسبت به بانوان تأثیر می‌گذارد. به طور مثال میزان وقوع این جرم در جامعه عشایری و روستایی به مراتب کمتر از جامعه شهری است.
- (۴) مکان حضور بانوان در میزان وقوع جرم تأثیر می‌گذارد. به طور مثال میزان وقوع این جرم در مناطق بالا شهر با سایر مناطق بیشتر است.
- (۵) علت عدم طرح شکایت به مراجع قانونی و استفاده عملی از این حمایت قانون‌گذار به ترتیب اولویت عبارت‌اند از: حفظ آبرو، بی‌فایده بودن و تأثیر نداشتن شکایت، بی‌اعتمادی به پلیس و مقام قضایی، آشنا نبودن به قانون و مراجع قضایی.
- (۶) بیشتر مزاحمت‌ها از نوع مزاحمت خیابانی است.
- (۷) اکثریت جامعه ایران، طرح شکایت را بی‌فایده دانسته و عده‌ای دیگر میزان مجازات را کم می‌دانند.
- (۸) اکثریت مردان معتقدند که حجاب زنان در این جرم تأثیرگذار است و بیش از نیمی از زنان، پوشش خود را از معیارهای اصلی در وقوع این جرم می‌دانند.

نتیجه‌گیری

در نظر ۴۳ درصد جامعه پژوهش، اولویت اول به عنوان علت وقوع این‌گونه جرایم، فقر فرهنگی بزهکار است. اشکال در شخصیت و سطح اجتماعی پایین بزهکار باعث می‌گردد که عمده علل وقوع این جرم به بزهکار بازگردد. از طرفی دیگر، این بانوان هستند که مسیر مجرمانه را تساهل بخشیده و با تبدیل شدن به سیبل مجرمانه، آماج حملات قرار می‌گیرند. تطابق با هنجارها و دفاع از حقوق خود، وظیفه‌ای است که به عنوان سهم بزه دیده می‌توان در وقوع این جرایم در نظر گرفت. سهم اجتماع نیز در این میان قابل چشم‌پوشی نیست. وجود برخی از کمبودها مانند مشکلات اقتصادی، سطح

تحصیلات پایین، عدم پاسخگویی به برخی از نیازها را می‌توان در این دسته قرارداد. بررسی وضعیت قانون نگاری و اجرای آن، بخش دیگری از عوامل وقوع این جرم تشکیل می‌دهد. بدیهی است در این میان، اندیشه‌ها و مکاتب نیز سهیم بوده و نقش آنان نیز قابل واکاوی است. مزاحمت جزء جرایمی است که مکان خاصی برای تحقق آن لازم نیست. مجرم ویژگی خاصی ندارد و تحقق این جرم نیازمند دانش و یا تبحری نیست. تمامی این عناصر، نشان از ارتکاب این جرم توسط افراد بی‌شماری است. در هر پوشش و هر ظاهری که باشد می‌تواند مجرم شود. این ویژگی‌های بارز، نشان می‌دهد که وقتی جرمی گسترده وسیعی را به خود اختصاص می‌دهد، افراد بسیاری را به راحتی می‌تواند آلوده این جرم سازد. در نتیجه باید نگاهی جامع نسبت به افراد جامعه و دلایل ارتکاب آن صورت گیرد. اگر در گذشته مزاحمت‌ها دارای شاخصه‌هایی بودند، امروزه متأسفانه با هر پوشش و رفتار ظاهری دیده می‌شوند. دیدن افرادی به ظاهر محترم و متشخص که از ثروت و مکنات هم برخوردار می‌باشند، این نگرانی را به وجود می‌آورد که این معضل اجتماعی همه‌گیر شده است. در میان اقشار مختلف مرتکبین این جرم، نوجوان و جوانان، بیشترین تعداد را تشکیل می‌دهند. جامعه‌شناسان هشدار می‌دهند که تضعیف ارزش‌های اخلاقی مانند حیا و شرم در میان جوانان می‌تواند به بروز رفتارهای ناپه‌نجان و بی‌قاعده منجر شود. این نگرش بر این اصل استوار است که فروپاشی هنجارهای اخلاقی-اجتماعی، زمینه را برای ظهور کنش‌های نسنجیده و خارج از چارچوب‌های پذیرفته‌شده اجتماعی فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، وقتی قیدوبندهای درونی ناشی از تربیت اخلاقی در افراد سست شود، جامعه شاهد بروز رفتارهایی خواهد بود که نه تنها نظم اجتماعی را مختل می‌کند، بلکه سلامت روانی جامعه را نیز به خطر می‌اندازد. این روند در بلندمدت می‌تواند به فرسایش سرمایه اجتماعی و افزایش ناهنجاری‌های رفتاری در سطح جامعه بینجامد. در هر جامعه‌ای نیازهایی وجود دارد که باید برطرف شود. درباره مسئله مزاحمت باید بررسی شود که چه نوع نیازی از فرد را برطرف می‌کند. عده‌ای اعتقاد بر این دارند که این بزه نوعاً از جرایم جوانان به ویژه مجردها است. لکن مهم‌تر از آنی که بدانیم بزه‌کاران مجرد یا متأهل هستند، باید به این حقیقت اشاره کنیم که تأثیر وقوع جرم مزاحمت بر وقایعی مانند طلاق یا افزایش خشونت در خانواده و خارج از خانواده، افزایش روابط نامشروع و از همه مهم‌تر میزان امنیت در جامعه غیرقابل انکار است. بدیهی است درک اهمیت این عمل قبیح که در نظر عقلا، دارای قبح ذاتی است، باید ابراز شود و افراد از ورود به محوطه این جرم، بیم داشته باشند.

جدول ۷. میزان تأثیر جرم مزاحمت بر سایر جرایم

سایر جرایم	پاسخ مردان	پاسخ بانوان	درصد کل
بر میزان امنیت در جامعه	۹	۱۱	۲۶.۶
بر میزان طلاق	۳	۴	۹
بر میزان جرایم خشونت‌بار	۱	۲	۴
بر میزان تجاوزات جنسی	۳	۲	۶.۶
بر میزان روابط نامشروع	۶	۶	۱۶
بر میزان جرایم در خانواده	۲	۴	۸
همه موارد	۸	۱۵	۳۰

آنچه امروز به عنوان سهم بزه‌کار بر آن اعتقاد داریم، این است که مردان که مجرم این جرم هستند باید بدانند که این عمل قبیح است و جامعه از این عمل تنفر دارد. درحالی‌که شیوع این جرم در حجم وسیع، در تمامی رده‌های سنی و در تمامی مقاطع تحصیلی حکایت از این دارد که قبح این جرم، از کتاب قانون بالاتر نرفته و فضای حاکم بر جامعه، از توجه به این مسئله غافل شده است. مردان که بزه‌کاران این جرم هستند، سهم عمده را در به ثمر رسیدن این جرایم دارا می‌باشند. توجیهاتی مانند اینکه زنان پوشش مناسبی ندارند و مراکز تفریحی کم است و امثال این موارد، هیچ‌کدام از این حقیقت نمی‌کاهد که این عمل قبیح بوده و به حیثیت و شأن بانوان لطمه وارد می‌کند.

بانوان از آن جهت در وقوع این جرم نقش دارند که عمل پیشگیرانه انجام نداده و وضعیت را به سمتی هدایت می‌کنند که اگر از فرد مزاحم این پرسش صورت گیرد که علت ارتکاب این جرم چه بوده است، می‌گویند خود آن زن تقاضا دارد که افراد مزاحم او شوند. واقعیت این است که بانوان باید دچار ناهنجاری نشده و با توجه به فرهنگ منطقه‌ای که در آن حاضر هستند، پوشش، رفتار و کردار خود را هماهنگ سازند.

ممکن است عده‌ای بر این نظر باشند که فقط بانوان نباید خود را هماهنگ سازند و مردان نیز موظف هستند و یا اینکه این عمل را، مانع آزادی تعریف شده در حقوق بشر می‌دانند. ممکن است این بحث، به سایر مباحث تبعیض‌آمیز در نظر افراد، مانند آنچه در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵ اشاره کرده است و یا آنچه در تفاوت سهم ارث زن و مرد مطرح است، کشیده شود. باید بر این نظر بود که این عقاید، حکایت از وضعیت حال یک جامعه دارد. در خانواده‌های مسلمانان و ایرانیان، زنان به این باور نرسیده‌اند که با مردان برابرند. به نظر می‌رسد اساس این کار باید از داخل یک خانواده شروع شود. زنان باید اصلاح را از خودشان شروع کنند و نه از جامعه و نه از مردان. زنان نخست باید باور برابر با مردان را در ذهن خود ایجاد کنند. عدم وجود تشکل مخصوص بانوان و اجازه نیافتن این تشکل‌ها برای اعلام حقوق خود و یا حتی مخالفت با برخی از دیدگاه‌ها از دیگر مسائلی است که جای آن در جامعه ایران خالی است. حمایت از حقوق زنان باید در ابتدا به وسیله خود آن‌ها صورت گیرد تا آمیدی به افزایش آگاهی و اطلاعات و درنهایت آموزش زنان در همه عرصه‌ها به تحقق بپیوندد.

سهم اجتماع را معطوف به دو بخش می‌دانیم. ابتدا سهم اجتماع در قانون نگاری و رویه قانونی و دوم سهم اجتماع در فضای عمومی و زندگی روزمره. نقش اجتماع ایران در پروسه قانون‌گذاری برآمده از دو منشأ است. ابتدا عقاید دینی و مذهبی (دلایل نقلی) و سپس عقاید حاکم بر اذهان همه انسان‌ها (دلایل عقلی) که از خانواده آغاز شده و در دانشگاه‌ها و مکاتب فکری پرورش می‌یابند. به نظر در جامعه ایران، اجازه مخالفت با برخی از دلایل مذهبی و دینی وجود نداشته و همه افراد را ملزم به پذیرش آن می‌کند. در صورت مخالفت نیز با سرانجامی شوم روبرو شده و عملاً محیط مباحثه و کاوش با تعدیلات فراوانی روبروست. نقش اجتماع این است که به گفتگوی عقاید کمک کرده و تعاملات علمی را افزایش دهد که عموماً این امر در آستانه صبر و تحمل بانوان ایرانی نیز نمی‌گنجد.

به نظر نگارنده چه در مباحث کلی و چه در مباحث جزئی مانند جرم مزاحمت، پیوستگی و اتحادی وجود نداشته و این عدم اتحاد موجب می‌گردد تا در امر قانون‌گذاری با پویایی همراه نباشیم. کمتر زنی در جامعه ایران به مسئله تعدد زوجات رأی مثبت می‌دهد و اگرچه که حکمت این حکم در دین اسلام وجود داشته باشد ولی به خاطر عدم قرین‌سازی، حکمت و منفعت آن زیر سؤال می‌رود. به نظر نگارنده مجموعه قوانینی باید به قانون‌گذاران تلقین گردد که در یک سیر خطی بوده و عدالت محور باشد. عوام زنان در ایران حقوق خود را پایمال شده می‌دانند و معتقدند که باید این وضع را فقط تحمل کنند.

وجود آگاهی و استفاده از آگاهان، آموزش بانوان و تلاش برای بالا بردن سطح اطلاعات و فرهنگ آنان، وجود تشکل‌هایی مبنی بر حمایت از حقوق آنان، گام دیگری است که بازهم برآمده از اجتماع ایران بوده و نیاز به توجه بیشتر دارد. توجه به زنان از بعد اجتماعی و مقابله با انزوای آنان در جامعه، بها دادن و دخیل کردن آنان و در مقاطعی، همه‌پرسی از بانوان، به پویا شدن آنان در جامعه و افزایش اعتماد به نفس آنان، کمک شایانی خواهد کرد. آنچه جرم‌شناسی فمینیستی در قلمرو علوم جنایی جست‌وجو می‌کند، تأکید بر رفتارهای متفاوت نهادهای عدالت کیفری با زنان و قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز کیفری نسبت به آنان - چه از نظر ماهیت جرم‌ها و چه از نظر مجازات - است. به نظر آنان، انواع کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی نسبت به زنان کزرو و مجرم به طور سخت‌گیرانه‌تری اعمال می‌شود. جامعه معمولاً مکانیسم‌های کنترل اجتماعی را با شدت بیشتری نسبت به زنان انحراف کار و بزهکار اعمال می‌کند. این سخت‌گیری مضاعف ریشه در انتظارات فرهنگی خاصی دارد که با ویژگی‌های زیستی زنان نیز پیوند خورده است. در واقع، نهادهای اجتماعی چه از طریق سازوکارهای رسمی مانند قوانین و مقررات و چه از طریق مکانیسم‌های غیررسمی مانند فشارهای اجتماعی، از زنان توقع بیشتری برای پایبندی به هنجارهای اخلاقی و اجتماعی دارند. این انتظارات فزاینده ناشی از تصورات فرهنگی عمیقی است که زنان را به عنوان محور حفظ ارزش‌های اخلاقی خانواده و جامعه می‌پندارد. چنین نگرشی منجر به ایجاد استانداردهای دوگانه‌ای شده است که در آن انحرافات زنان با دقت و سختگیری بیشتری مورد مواخذه قرار می‌گیرد، حال آنکه همان رفتارها در مردان ممکن است با تساهل بیشتری برخورد شود. این تفاوت در برخورد، بازتابی از ساختارهای جنسیتی حاکم بر جامعه است که نقش‌های سنتی خاصی را برای زنان تعریف کرده و هرگونه عدول از این چارچوب‌ها را به شدت مورد بازخواست قرار می‌دهد. این عقیده در بزه دیدگی آنان به‌مانند روی دیگر سکه است. حمایت از زنان در این امر، به نظر طرفداران فمینیست، امری ضروری بوده است و در صورت عدم توجه به آنان، پیش‌بینی ضررات بیشتر، چندان دور از ذهن نیست. قانون‌گذار ایران نیز، حمایت از زنان بزه دیده را از طریق جرم‌انگاری و تبیین مجازات برای جرایم مربوط به آنان نشان داده (مانند مواد ۶۰۸، ۶۱۹ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۷۵) و به دنبال تهیه برنامه‌های

بیشگیرانه و تمهیدات قانونی و حقوقی برای رفع خشونت از زنان بوده است.^۱ توجه جامعه بشری به وضعیت حقوق بشر و انسان‌ها در ایران که عموماً مغرضانه و در تضاد با سیاست‌های داخلی و خارجی جمهوری اسلامی ایران است، منجر به انتشار عقاید فمینیستی شده است که در تلاش برای تغییر در برخی از معیارها بوده است. معیارهایی که توجه به آن‌ها به برخی از عقاید اساسی ایرانیان بازگشته (مانند تمایز در میزان دیه و سهم‌الارث زنان و یا آنچه در ماده ۶۳۰ قانون مجازات اسلامی برای زنان صدق کند) و تلاش برای نیل به این اهداف، زمان و توجهات خاصی را می‌طلبد. مکاتب و اندیشه‌ها می‌توانند توجه به زنان بزه‌دیده را به موازات زنان بزه‌کار پیش ببرند و جای خالی حمایت قضایی و فراقضایی از بزه‌دیدگان تبعیض جنسیتی را با استفاده از خود بانوان و اتخاذ رفتار سنجیده در برخورد با آنان را تبیین کنند و بر حفظ هویت و اسرار زن بزه‌دیده تلاش و کوشش بگمارند. این مهم با توجه به حمایت از عدالت محوری و دوری‌گزینی از ایجاد حساسیت بی‌مورد، به ثمر خواهد نشست.

۱. مانند قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳، ماده ۱۱۱، بند ج.

منابع

۱. آشوری، محمد و ابوالقاسم خدادادی. (۱۳۹۰). حقوق بنیادین بزه دیده در فرایند دادرسی کیفری. آموزه‌های حقوق کیفری، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، دوره جدید، شماره ۲.
۲. اشراقی، رضا. (۱۳۸۳). بررسی اجتماعی و حقوقی مزاحمت. فصلنامه بصیرت. شماره ۳۵.
۳. توجهی، عبدالعلی و علی حسین نجفی ابرندآبادی. (۱۳۷۸). بزه دیده شناسی و مشکل بزه دیدگی‌های گزارش نشده. (طرح پژوهشی)، مجله پژوهش‌های حقوق تطبیقی، شماره ۴.
۴. توجهی، عبدالعلی. (۱۳۸۳). اندیشه حمایت از بزه‌دیدگان و جایگاه آن در گستره جهانی و سیاست تقنینی ایران. علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، سمت.
۵. جمعی از نویسندگان. (۱۳۹۰). علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد محمد آشوری). تهران: سمت.
۶. جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۴). زن و حقوق کیفری (مجموعه مقالات، نتایج کارگروه‌های و اسناد نخستین همایش بین‌المللی زن و حقوق کیفری؛ گذشته، حال و آینده (تهران- آذر ۱۳۸۳) زیر نظر نسرین مهرا). تهران: سلسبیل.
۷. حاجی تبار فیروز جانی، حسن. (۱۳۹۱). بزه دیده شناسی حمایتی افتراقی (مطالعه تطبیقی سیاست جنایی تقنینی). تهران: جنگل.
۸. رایجیان اصلی، مهرداد. (۱۳۸۱). بزه دیده در فرایند کیفری. تهران: خط سوم.
۹. رنجبران، قاسم و الهه دبیر زاده. (۱۳۹۰). خشونت بر زنان در قوانین کیفری ایران و اسناد بین‌المللی. تهران: فرهنگ شناسی.
۱۰. زینالی، امیر حمزه. (۱۳۸۳). اثر فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آن‌ها. نشریه رفاه اجتماعی، شماره ۱۳.
۱۱. سماواتی پیروز، امیر. (۱۳۸۵). عدالت ترمیمی؛ تعدیل تدریجی عدالت کیفری یا تغییر آن. تهران: نگاه بینه.
۱۲. شیخ‌الاسلامی، عباس. (۱۳۸۳). جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران. علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از دکتر محمد آشوری)، تهران: سمت.
۱۳. صفاری، علی. (۱۳۹۱). مقالاتی در جرم‌شناسی و کیفر شناسی. تهران: جنگل.
۱۴. عبادی، شیرین. (۱۳۸۵). حقوق زن در قوانین جمهوری اسلامی ایران. تهران: گنج دانش.
۱۵. عظیم زاده اردبیلی، فائزه و لیلا خسروی. (۱۳۸۸). مطالعه تطبیقی حقوق زنان از منظر اسلام و غرب. تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
۱۶. گسن، ریموند. (۱۳۸۵). جرم‌شناسی نظری. ترجمه مهدی کی‌نیا. تهران: مجد.
۱۷. لیز، ژرار. ژینا فیلیزولا. (۱۳۸۸). بزه دیده و بزه دیده شناسی. ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد احمدی. تهران: مجد.
۱۸. ناظمی، غلامرضا. (۱۳۸۸). برابری زن و مرد در اسلام و غرب. (حقوقی متناسب و عادلانه با توجه به اعلامیه‌های حقوق بشر). مشهد: آهنگ قلم.
۱۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین و حمیدهاشم بیگی. (۱۳۹۰). دانشنامه جرم‌شناسی. تهران: گنج دانش.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). تقریرات درس جامعه‌شناسی جنایی و جرم‌شناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
۲۱. وظیفه، علیرضا. (۱۳۹۱). جنسیت و بزهکاری با نگاهی به قوانین کیفری ایران. تهران: کتاب آوا.